



## آموزه نهم: اغراق، ایهام و ایهام تناسب

### ◀ اغراق

در لغت به معنی سخت کشیدن کمان است و در اصطلاح بدیع، زیاده روی در توصیف یا مدح یا ذم را گویند؛ چنان که از حد معمول بگذرد و برای شنونده شگفت انگیز و زیبا باشد. به عبارت دیگر بازنمود دگرگونه مفاهیم و موضوعات سخن است، به صورتی که معانی خرد را بزرگ گرداند و معانی بزرگ را خرد بنماید تا تأثیر سخن را بیشتر کند.

به ابیات زیر توجه نمایید:

به کردار افسانه از هر کسی / شنیدم همی داستانت بسی

به تنها یکی گور بریان کنی / هوا را به شمشیر گریان کنی

برهنه چو تیغ تو بیند عقاب، / نیارد به نخجیر کردن شتاب

نشان کمند تو دارد هژبر / ز بیم سنان تو خون بارد ابر (فردوسی)

زیاده روی در توصیف شجاعت و قدرت رستم از زبان تهمینه، موجب زیبایی آفرینی و موسیقی معنوی در این ابیات شده است؛ به گونه‌ای که این بزرگ نمایی، تصویری زیبا در ذهن شنونده یا خواننده ایجاد می‌کند و تصویر آفرینی حماسی را در این ابیات به اوج می‌رساند.

◻ اغراق مناسب ترین آرایه برای تصویر آفرینی در حماسه است؛ بنابراین در شاهنامه و آثار حماسی دیگر از آن بسیار استفاده شده است.

نمونه‌ای دیگر:

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران / کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران (سعدی)

سعدی با بزرگ نمایی در توصیف روز وداع یار، اوج احساسات و عواطف سرشار درونی خود را نشان می‌دهد.

نمونه‌ای دیگر:

دلم گرفته از این روزها دلم تنگ است / میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است (سلمان هراتی)

می شناسمت / چشم های تو میزبان آفتاب صبح سبز باغهاست / می شناسمت. (شفیعی کدکنی)

چو رامین گه گهی بناختی چنگ، / ز شادی بر سر آب آمدی سنگ (فخرالدین اسعد گرگانی)

### ◀ ایهام

در لغت به معنی در وهم و گمان افکندن است و در اصطلاح بدیع، آوردن واژه‌ای یا عبارتی در سخن با دو یا چند معنا که معمولاً بیت با تمام معانی پذیرفتنی و دارای ارزش است. دریافت همزمان چند معنا از یک واژه یا یک عبارت در کلام، تصویری زیبا در ذهن خواننده یا شنونده ایجاد می‌کند و سبب زیبایی کلام می‌گردد.

به بیت زیر توجه کنید:

بی مهر رُخت روز مرا نور نمانده است / وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است (حافظ)

واژه «مهر» آرایه ایهام دارد و در دو معنی به کار رفته است؛ یکی در معنای «محبت» و دوم در معنای «خورشید» و چنانچه مشاهده می‌شود، بیت با هر دو معنی قابل درک و دریافت است.

در ایهام ذهن با اندکی تأمل، هر دو معنی را کشف می‌کند و همین موضوع سبب زیبایی آفرینی و لذت خواننده می‌گردد.

نمونه دیگر:



خانه زندان است و تنهایی ضلال هر که چون سعدی **گلستان** یش نیست **(سعدی)**  
 گلستان ایهام دارد و دو معنا در ذهن پدید می آورد: یکی کتاب **گلستان** و دیگری **باغ و گلزار**.  
**توجه:** زمانی می توانیم آرایه ایهام را دریابیم که با معانی مختلف واژه‌ها آشنا باشیم.  
 یا در مثال:

اگر سنت اوست نوآوری، / نگاهی هم **از نو** به سنت کنیم **(قیصر امین پور)**  
 عبارت «از نو» در دو معنای **مجدد** و **قالب شعر نو** آمده است.  
 چند نمونه:

عهد کردی که کشتی فرصت خود را / روزی فرصت ار یافتی، آن **عهد** فراموش مکن **(فرصت شیرازی)**  
**عهد: ۱- پیمان ۲- روزگار**  
 چون جام شفق موج زند خون به دل من / با این همه **دور از تو** مرا چهره زردی است **(مهرداد اوستا)**  
**دور از تو: ۱- هجران و از تو دور بودن ۲- چهره زرد از تو دور باد**

### ◀ ایهام تناسب

آوردن واژه‌ای است با دو معنی که یک معنای آن مورد نظر و پذیرفتنی است و معنای دیگر که مورد نظر نیست با بعضی از اجزای کلام تناسب دارد.  
 به این نمونه توجه کنید:

روی خوبت **آیتی** از لطف بر ما کشف کرد / زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما **(حافظ)**  
 «آیت» در این بیت به معنی نشانه است معنی دیگر آن آیه است؛ که در این معنی با واژه «تفسیر» تناسب دارد. این آرایه شاعرانه را که در آن ذهن به تلاش و تکاپو می افتد، تا معنی درست واژه را با توجه به مفهوم بیت دریابد ایهام تناسب نامند.  
 مثال دیگر:

گر **هزار** است بلبل این باغ / همه را نغمه و ترانه یکی است **(صائب تبریزی)**  
 صائب در این بیت را هزار در معنای عدد هزار آورده است و در معنای دیگر آن (بلبل) با بلبل، باغ، نغمه و ترانه تناسب دارد.  
 نمونه های دیگر:

یک روز که خسرو زنگ قرآن در شهناز شوری به پا کرده بود، مدیر مدرسه آواز خسرو را شنید. **(عبدالحسین وجدانی)**  
**شور: ۱- هیجان و وجد (در معنای دستگاه شور با شهناز و آواز تناسب دارد)**  
 چنان سایه گسترد بر عالمی / که زالی نیندیشد از رستمی **(سعدی)**  
**زال: ۱- پیر (در معنای پدر رستم با رستم تناسب دارد)**  
 پرستش به مستی است در کیش مهر / برون اند زین جرگه هشیارها **(علامه طباطبایی)**  
**کیش مهر: ۱- آیین عشق (در معنای آیین مهرپرستی با پرستش و مستی و جرگه تناسب دارد)**

### ◀ خودارزیابی

۱- در هر یک از ابیات زیر آرایه ایهام و ایهام تناسب را مشخص کنید و معانی مختلف واژه‌ای که این آرایه را به وجود آورده است، بنویسید.

**الف)** بگفتا عشق شیرین بر تو چون است / بگفت از جان شیرینم فزون است **(نظامی)**  
 شیرین نخست: ایهام ۱- گونه‌ای مزه ۲- نام دلداد فرهاد / شیرین دوم: گونه‌ای مزه (در معنای نام دلداد فرهاد با شیرین نخست تناسب دارد)



(ب) چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم (سعدی)  
اوفتاده: ایهام ۱- فروتن ۲- بی ارزش بر روی گل افتاده / مهر: عشق؛ ایهام تناسب (در معنای خورشید با آفتاب و عیوق تناسب دارد)

(پ) عرضه کردم دو جهان بر دل کارافتاده / به جز از عشق تو باقی همه فانی دانست (حافظ)  
کارافتاده: ایهام ۱- گرفتار عشق ۲- از کار افتاده / باقی: ایهام تضاد ۱- به جا مانده (در معنای جاودان با فانی تضاد دارد)  
ت) نگران با من استاده سحر / صبح می خواهد از من / کز مبارک دم او آورم این قوم به جان باخته را / بلکه خبر (نیما یوشیج)  
نگران: ایهام ۱- بیننده ۲- پریشان

۲- اغراق های به کار رفته در بیتها و عبارتهای زیر را بیابید و توضیح دهید.  
الف) گر برگ گل سرخ کنی پیره‌نش را / از نازکی آزار رساند بدنش را (طرب اصفهانی)  
پیراهن از جنس برگ گل نیز بدن او را می آزد.

(ب) آن فرو مایه هزار من سنگ بر می دارد و طاقت یک حرف نمی آرد. (سعدی)  
آن مرد هزار من سنگ را بلند می کرد.

۳- با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.  
از خون و گل و شکوفه تابوت شهید / بر موج بلند دستها رنگین بود (نصرالله مردانی)  
الف) اختیارات وزنی بیت را بیابید و نوع آن را مشخص کنید. (مستفعل فاعلاتن مستفعل فع)

از خون و گل و شکوفه تابوت شهید / بر موج بلند دستها رنگین بود			
از خون	گُلُ شُ کو	فِ تا بو ت	ش هید
بَر مَوْج	بُ لَن دَس	ت ها رَن گین	بود
مفعول	مفاعیل	مفاعیل	فعل

اختیار وزنی) بلند بودن هجای پایان مصراع‌ها / ابدال: در هجای یازدهم مصراع دوم.  
(ب) بیت را از نظر قلمرو فکری تحلیل کنید. - شعر درباره جان باختگی و شهادت نیز درباره ارزش شهید در جامعه است.

### ◀ کارگاه تحلیل فصل ۳

۱- پس از تعیین پایه های آوایی، نشانه های هجایی ابیات زیر را بنویسید و نوع اختیارات وزنی به کار رفته در بیت را تعیین کنید.

الف) هر چه داری اگر به عشق دهی / کافرم گر جوی زیان بینی (هاتف)

هر چه داری اگر به عشق دهی / کافرم گر جوی زیان بینی		
هَر چِ داری	اَ گر بِ عِش	ق دَ هی
--U-	-U-U	-UU
کاف رَم گر	جُ وی زی (ز) یان	بی نی
--U-	-U-U	- (UU) -
فاعلاتن	مفاعلن	فعلن



اختیار وزنی) فعلاتن به جای فعلاتن در پایه آوایی نخست هر دو مصراع / ابدال: در هجای نهم مصراع دوم.

ب) من ندانستم از اوّل که تو بی مهر و وفايي / عهد نایستن از آن به که ببندی و نیایی (سعدی)

من ندانستم از اوّل که تو بی مهر و وفايي / عهد نایستن از آن به که ببندی و نیایی			
مَنْ نَدَانِسَ	تَمْ زَوَلْ	كَيْتُ بِي مِهْ	رُ وَا يِي
- - U-	- - UU	- - UU	- - UU
عَه دَنَا بَسْ	تَنْ زَانَ بَهْ	كَيْبِ بِنِ دِي	ئِي نَ يَائِي
- - U-	- - UU	- - UU	- - UU
فَاعِلَاتْن	فَعِلَاتْن	فَعِلَاتْن	فَعِلَاتْن

اختیار وزنی) فاعلاتن به جای فعلاتن در هر دو مصراع. / اختیار زبانی) حذف همزه در هجای هفتم هر دو مصراع

پ) مرا بسود و فرو ریخت هرچه دندان بود / نبود دندان لابل چراغ تابان بود (رودکی)

مرا بسود و فرو ریخت هرچه دندان بود / نبود دندان لابل چراغ تابان بود			
مَ رَا بِي سُو	دُ فُ رُو رِي	خَت هَر چَ دَنْ	دَان بُوَد
-U-U	--UU	-U-U	-(UU)-
نَ بُو دَنْ	دَان لَابِل	چَ رَا غِ تَا	بَان بُوَد
-U-U	--(UU)-	-U-U	-(UU)-
مَفَاعِلَنْ	فَعِلَاتْن	مَفَاعِلَنْ	فَعِلَنْ

اختیار وزنی) بلند بودن هجای پایان مصراعها / ابدال: در هجای سیزدهم مصراع نخست و هجای پنجم و سیزدهم مصراع دوم. (فع  
لن ← فعلن) (مفعولن ← فَعِلَاتْن)

ت) نماند تیری در ترکش قضا که فلک / سوی دلم به سرانگشت امتحان نگشود (سعدی)

نماند تیری در ترکش قضا که فلک / سوی دلم به سرانگشت امتحان نگشود			
نَ مَانِ دِي	رِي دَر تَر	كِي شِ قِ ضَا	كِي فَ لَكِ
-U-U	--(UU)-	-U-U	- -
سُو يِ دِلْمِ	بِي سَرَنْ گَشْ	تِ اِم تِ حَانِ	نَ گُ شُوَد
-U-U	--UU	-U-U	- -
مَفَاعِلَنْ	فَعِلَاتْن	مَفَاعِلَنْ	فَعِلَنْ

اختیار وزنی) ابدال: هجای پنجم مصراع نخست / بلند بودن هجای پایانی مصراع دوم. / اختیار زبانی) تغییر کمیت مصوت در  
هجای نهم مصراع نخست / تغییر کمیت مصوت در هجای نخست و هجای دوم مصراع دوم / حذف همزه در هجای هفتم مصراع



ث) همه در خورد رای و قیمت خویش / از تو خواهند و من تو را خواهم (سعدی)

همه در خورد رای و قیمت خویش / از تو خواهند و من تو را خواهم		
هم در خُر	دُ ر ا ئ قی	م ت خیش
--UU	-U-U	-UU
از تْ خا هَن	دُ مَن تْ را	خا هم
--U-	-U-U	-(UU)-
فَعْلَاتُنْ	مفَاعِلُنْ	فَعْلُنْ

اختیار وزنی) بلند بودن هجای پایان مصراع نخست / فاعلاتن به جای فعلاتن در مصراع دوم / ابدال: در هجای نهم مصراع دوم. (فع لن ← فعلن)

ج) ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی / تا راهرو نباشی کی راهبر شوی (حافظ) (مستفعلن مفاعله مستفعلن فعل)

ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی / تا راهرو نباشی کی راهبر شوی			
ای بی خْ	بَر بِ کوش	کِ صا جب خْ	بَر شْ وِی
U--	U-U-	U--U	-U-
تا راه	رُ و نْ با شی	گی راه	بَر شْ وِی
U--	(UU)--U-	U--	-U-
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعِلنْ

اختیار وزنی) ابدال: در هجای هفتم مصراع دوم.

۲- در بیتهای زیر اغراق، ایهام و ایهام تناسب را بیابید و توضیح دهید.

الف) جان ریخته شد با تو، آمیخته شد با تو / چون بوی تو دارد جان، جان را هله بنوازم (مولوی)  
 بو: ایهام ۱- رایحه ۲- آرزو

ب) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم (سعدی)

روی: ایهام تناسب ۱- چهره (در معنای فلز روی با مس، زر و اکسیر تناسب دارد)

پ) چندین که برشمردم از ماجرای عشقت، / اندوه دل نگفتم الا یک از هزاران (سعدی)

اغراق: فقط یک از هزاران اندوهم را گفته ام.

۳- دو مورد از ویژگی های ادبیات دوره انقلاب را در شعر در «سایه سار نخل» ولایت پیدا کنید.

چگونه شمشیری زهر آگین / پیشانی بلند تو / این کتاب خداوند را / از هم می گشاید؟ / چگونه می توان به شمشیری، دریایی را شکافت؟ / هنگام که همتاب آفتاب / به خانه یتیمکان بیوه زنی تابیدی / و صولت حیدری را / دست مایه شادی کودکانه شان کردی / و بر آن شانه که پیامبر پا نهاد / کودکان را نشاندی / و از آن دهان که هُزای شیر می خروشید / کلمات کودکانه تراوید / آیا تاریخ، بر در سرای / به تحیر / خشک و لرزان نمانده بود؟ (سید علی موسوی گرمارودی)

(شعر در قالب نو (سپید) سروده شده است.)

تکریم شهید و فرهنگ شهادت با تکیه بر اسطوره های ملی و تاریخی

طرح اسوه های تاریخی به ویژه تاریخ اسلام مانند امام حسین.



## ◀ کالبدشکافی شعر

◻ چگونه شمشیری زهر آگین / پیشانی بلند تو / - این کتاب خداوند را- / از هم می‌گشاید. / چگونه می‌توان به شمشیری دریایی را شکافت؟

**قلمرو زبانی:** زهر آگین: آغشته به زهر / **قلمرو ادبی:** تلمیح به جان باختن حضرت علی (ع) / پیشانی، کتاب خداوند: تشبیه؛ وجه شبه: حضرت علی قرآن سخنگو بود/ دریایی: استعاره از سر حضرت علی(ع)

بازگردانی: چگونه شمشیر زهر آگین سر تو را که خانه قرآن بود شکافت، در شگفتی چگونه شمشیر می‌تواند سر حضرت علی (ع) را که دریایی است، به دو نیم کند.



◻ هنگامی که به همتاب آفتاب / به خانه یتیمان بیوه زنی تابیدی

**قلمرو زبانی:** همتاب: همراه، هم تابنده // **قلمرو ادبی:** تابیدی: مجازا از عنایت کردی / تلمیح به سرکشی حضرت علی (ع) به یتیمان بازگردانی: زمانی که با آفتاب و مانند آفتاب به خانه بیوه زنان و نیازمندان تابیدی و به ایشان توجه کردی،

◻ و صولت حیدری را / دست مایه شادی کودکانه شان کردی

**قلمرو زبانی:** صولت: شکوه / حیدر: شیر، نام حضرت علی / دست مایه: سرمایه بازگردانی: شکوه شیرگونه ات را سرمایه شادی و شور کودکان کردی.

◻ و بر آن شانه، که پیامبر پای نهاد / کودکان را نشاندی

**قلمرو ادبی:** تلمیح دارد به این که علی (ع) در فتح مکه، روی شانه حضرت محمد(ص) رفت و بچه‌های یتیم را روی شانه خود نشاند.

بازگردانی: و کودکان را روی شانه خود سوار کردی؛ شانه‌ای که حضرت محمد(ص) آن را گرامی می‌داشت.

◻ و از آن دهان که هُرّای شیر می‌خروشید / کلمات کودکانه تراوید،

**قلمرو زبانی:** هُرّا: آواز ترسناک، صدا و غوغا / تراویدن: تراوش کردن، / **قلمرو ادبی:** تراویدن: استعاره (کلمات تراوید: واژه‌ها را به زبان راند)

بازگردانی: و از آن دهان که غرّش شیر داشت، واژگان بچگانه و کودکانه درآمد.

◻ آیا تاریخ بر در سرای / به تحیر / خشک و لرزان نمانده بود؟

**قلمرو زبانی:** سرا: خانه / تحیر: سرگشته، حیران / **قلمرو ادبی:** جانبخشی تاریخ، پرسش انکاری /

بازگردانی: آیا آن لحظه تاریخ با شگفتی نزدیک در خانه پیرزن خشک نمانده بود؟